

## شیوه برخورد شیخ طوسی با احادیث متعارض در الاستبصار

محمدرضا واعظی<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

### چکیده

مسأله اخبار متعارض همواره دغدغه فقیهان و محدثان بوده است، زیرا از همان دوره آغازین، بروز اختلافاتی در نقل احادیث پیامبر (ص)، ضرورت تبیین علل این اختلافات و ارائه راه حلی برای ترجیح برخی اخبار به برخی دیگر را ایجاب می‌کرد. تعارض به معنای منافات داشتن مدلول دو دلیل به صورت تضاد یا تناقض است و از دلایل و عوامل متعددی ناشی می‌شود. از آنجا که روش‌های گوناگون و متعددی برای رفع تعارض میان اخبار وجود دارد؛ نوشته حاضر کوشیده است با بررسی نمونه‌هایی از الاستبصار به روش‌های شیخ طوسی در مواجهه با اخبار متعارض بپردازد. نتیجه حاصل از این پژوهش عبارت است از این که شیخ طوسی برای رفع تعارض اخبار از شیوه‌هایی چون؛ ترجیح خبر متواتر بر خبر متواتر، ترجیح به عدالت راوی، ترجیح به کثرت روایان، موافقت با کتاب، موافقت با سنت، موافقت با اجماع و موافقت با عقل برای رفع تعارض، همچنین، ترجیح یکی از اخبار بر دیگری استفاده می‌کند، که در این نوشتار برای هر یک از این روش‌ها نمونه‌ای ذکر شده است. البته، مبانی و روش‌های شیخ در حل تعارض، منحصر به موارد مذکور در مقدمه الاستبصار نیست.

**واژه‌های کلیدی:** استبصار، ترجیح، تعارض اخبار، رفع تعارض، شیخ طوسی

## ۱- مقدمه

حدیث پس از قرآن کریم مهم‌ترین منبع شناخت دین اسلام است. حیات فکری مسلمانان نشان‌دهندهٔ اهتمام معصومین (ع) و به پیروی از آنان تلاش محدثان جهت شناخت و درک احادیث است. چنان‌که امام باقر (ع) معیار شناخت جایگاه شیعیان را به میزان حفظ روایات و فهم آنان می‌داند و بیان می‌کنند که مؤمن به واسطهٔ فهم روایات به بالاترین درجات ایمان می‌رسد.<sup>۱</sup>

شیعه معتقد به عصمت اهل بیت (ع) است و ایشان را دارای علم غیب می‌داند و چون علوم آنان ریشه در وحی دارد، در نتیجه، نباید هیچ تعارضی بین سخنان ایشان باشد. از سوی دیگر، تعداد زیادی از احادیثی که به دست ما رسیده با یکدیگر معارض هستند بنابراین، باید به وجهی این دو مسأله را با یکدیگر جمع نمود و بر همین اساس، ایشان را بر آن داشت تا برای حل این معضل فرهنگی و دفع طعن از مذهب خویش و رد مخالفان فرقهٔ خود، دست به تألیفاتی در این زمینه بزنند.

علاوه بر این، دریافت صحیح مدلول روایت و به تبع آن، تأثیرش بر اجتهاد و استنباط احکام، به مثابهٔ که یکی از ابزارهای استنباط احکام شرع حائز اهمیت است. همچنین، دانستن اسباب اختلاف و راه‌های علاج آن در توحید آراء و نزدیک شدن به صواب و حقیقت بسی مؤثر است چنان‌که پیشینیان تبهر در آن را نشانهٔ رسیدن به مرتبهٔ اجتهاد و جواز نشستن بر مسند فتوا دانسته‌اند (آشتیانی، ۱۴۰۳ق، ص ۱۴۲).

از آنجا که مسألهٔ تعارض و اختلاف اخبار، نتایج کلامی و فقهی بسیار دارد، از دوره‌های آغازین پیدایش احادیث، دغدغهٔ ذهنی محدثان و متکلمان و فقیهان بوده است و برای حل آن تلاش‌های بسیاری صورت گرفته است. نگاهی به پیشینهٔ این موضوع، میزان اهتمام عالمان مسلمان را به آن نشان می‌دهد. به گونه‌ای که هر یک از نویسندگان کتب اربعهٔ شیعه کتاب‌های خود را به انگیزهٔ رفع تعارض، تناقض و اختلاف در حدیث شیعه به رشته تحریر درآوردند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۸؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳؛ طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۲؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲)؛ اما شیوهٔ ایشان با یکدیگر تفاوت دارد.

گسترده‌ترین تألیف شیعی در این زمینه کتاب *الاستبصار فی ما اختلف من الاخبار* نگاشتهٔ شیخ طوسی است. در این پژوهش، با تکیه بر مقدمهٔ این کتاب به شیوهٔ برخورد شیخ طوسی با احادیث متعارض خواهیم پرداخت و در همین راستا، به نمونه‌هایی از این کتاب اشاره خواهیم نمود.

## ۲- الاستبصار فی ما اختلف من الأخبار

*الاستبصار فی ما اختلف من الأخبار*، یکی از کتب گرانقدر و پرفایدهٔ شیخ طوسی است. این کتاب، دومین کتاب ایشان در دانش حدیث است که پس از تهذیب *الأحكام* نوشته شده است و از کتب معتبر شیعه به شمار می‌آید. شیخ پس از تألیف تهذیب به تنافی و تعارض برخی از احادیث برخورد و به همین جهت، برای بار دیگر به تألیف

۱. يَا بَنِي عَرَفَ مَنَازِلَ الشَّيْعَةِ عَلَى قَدَرِ رَوَايَتِهِمْ وَ مَعْرِفَتِهِمْ فَإِنَّ الْمَعْرِفَةَ هِيَ الدَّرَاجَةُ لِلرَّوَايَةِ وَ بِالذَّرَاجَاتِ لِلرَّوَايَاتِ يَعْلُو الْمُؤْمِنُ إِلَى أَفْصَى دَرَجَاتِ الْإِيمَانِ إِنِّي نَظَرْتُ فِي كِتَابِ لِعَلِيٍّ عَ فَوَجَدْتُ فِي الْكِتَابِ أَنَّ قِيَمَةَ كُلِّ امْرِئٍ وَ قَدْرَهُ مَعْرِفَتُهُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يُحَاسِبُ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ مَا آتَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ فِي دَارِ الدُّنْيَا (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۸۴؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ص ۱).

کتاب دیگری با کیفیت بهتر اقدام کرد. این کتاب در سه بخش شامل؛ مقدمه، متن اصلی و مشیخه گردآوری شده است.

نویسنده در مقدمه به انگیزه تألیف، شیوه نگارش و خلاصه‌ای از مرجحات و راه‌های رفع تعارض پرداخته است که در ادامه به آن اشاره می‌کنیم. متن اصلی کتاب/ستبصار دارای سه بخش می‌باشد: دو بخش در خصوص عبادات و بخش سوم در خصوص دیگر ابواب فقهی از عقود و ایقاعات احکام گرفته تا حدود و دیات (نجف زاده بارفروش، ۱۳۷۳ش، ص ۸۳).

شیخ طوسی خود در پایان کتاب، احادیث/ستبصار را ۵۵۱۱ حدیث برشمرده و می‌گوید: «من این کتاب را به سه بخش تقسیم کردم: بخش اول و دوم شامل روایات مربوط به عبادات می‌باشد و بخش سوم در مورد معاملات و دیگر ابواب فقه است» (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۳۴۲)./ستبصار مشتمل بر بخشی از کتاب تهذیب می‌باشد، بی آن که به ذکر اخبار مورد اختلاف و طریقه جمع بین آن‌ها محدود گردد، در حالی که تهذیب دربر گیرنده احادیث مورد اتفاق و اختلاف است.

ظاهراً شیخ طوسی نخستین کسی است که بدین صورت به این امر مهم اقدام نموده است و دست به تألیف زده است؛ با این توضیح که در گذشته چنین عملی از سوی مؤلفان شیعه انجام نگرفته است (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۳). شیوه شیخ طوسی در این کتاب بدین صورت است که نخست اخباری را که معتبر و صحیح می‌داند نقل می‌کند، پس از آن به روایات مخالف اشاره نموده و می‌کوشد که همه روایات را گردآوری کند. در نهایت، شیخ به جمع میان روایات و بررسی آن‌ها می‌پردازد (غضنفری، ۱۳۹۶ش، ص ۳۵۲). این کتاب به عنوان نخستین کتابی که برای جمع بین روایات مخالف نگاشته شده، در نوع خود بی‌نظیر است.

کتاب استبصار نه تنها اعتبار بالایی دارد، از جهت شمول و جامعیت نیز قابل توجه است. نکته دیگر پیرامون این کتاب این است که در آغاز هر باب نخست به روایات معتبر یا مورد قبول اشاره شده و پس از آن دیگر روایات مطرح شده است. کتاب/ستبصار همه ابواب فقه را در پوشش نمی‌دهد و تنها ابواب مشتمل بر اخبار مخالف را شامل می‌شود؛ با این حال، ترتیب ابواب این کتاب، همان ترتیب معمول کتب فقهی است؛ بدین صورت که با کتاب طهارت شروع شده و به کتاب دیات ختم می‌شود.

### ۳- تعارض اخبار

از همان دوره آغازین، بروز اختلافاتی در نقل احادیث پیامبر (ص)، ضرورت تبیین علل این اختلافات و ارائه راه حلی برای ترجیح برخی اخبار به برخی دیگر را ایجاد می‌کرد. با دور شدن از روزگار پیامبر (ص) و گسترش دامنه اختلاف در احادیث، سخن از روش‌های برخورد با احادیث مختلف به خصوص در میان حدیث‌گرایان ادامه یافت.

گفتنی است، مسأله تعارض روایات در قرن چهارم و پنجم به عنوان یک مسأله کلامی جدی بین شیعه و اهل سنت مطرح بوده است به گونه‌ای که شیخ طوسی در مقدمه کتاب تهذیب الاحکام اختلاف احادیث را شبهه‌ای

کلامی دانسته است و شیوع این تفکر را در روزگار خود تا حدی دانسته که سبب شده است برخی سبک‌مایگان اعتقادی به این دلیل از مذهب خود عدول کنند و به فرقه‌های دیگر بپیوندند.<sup>۲</sup>

در تعریف اصطلاحی تعارض، صاحب‌نظران نظرات مختلفی را بیان کرده‌اند. شیخ انصاری، منافات داشتن دو دلیل با یکدیگر، به نحوی که مفاد این دو دلیل با یکدیگر سازگاری نداشته باشد را تعارض تعریف می‌کند (انصاری، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۵۰). به بیان دیگر، تعارض به معنای منافات داشتن مدلول دو دلیل به صورت تضاد یا تناقض است. به عنوان مثال، یک روایت بر این مطلب دلالت کند که نماز جمعه در زمان غیبت واجب است و در مقابل، روایت دیگری بیان کند که نماز جمعه در عصر غیبت واجب نیست (سبحانی، ۱۳۷۶ ش، ج ۲، ص ۲۰۹).

همچنین، در تعریف تعارض گفته شده است که آن عبارت است از بودن دو دلیل در وضعی که یکی از آنها اقتضای ثبوت امری را داشته باشد، در حالی که دیگری اقتضای انتفای آن را دارد، مشروط به آنکه هر دو اشاره به امری در محل واحد و زمان واحد داشته و در قوت مساوی باشند (مجددی، ۱۴۰۷ ق، ص ۲۳۰).

تعارض و اختلاف اخبار، از دلایل و عوامل متعددی ناشی می‌شود که از جمله آن‌ها می‌توان به نسخ، از میان رفتن قرائن، نقل به معنا در روایت، تدریج در بیان احکام شرعی، تقیه، رعایت ظرفیت راوی، اختلاف مراتب راویان از نظر جهل، سهو و...، تخییر، تفویض و واگذاری احکام به اهل بیت (ع) و احادیث اشاره کرد (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۷ ق، ج ۷، صص ۳۰-۴۱).

#### ۴- شیوه شیخ طوسی در رفع تعارض

در میان فقیهان و حدیث‌پژوهان، روش‌ها و دیدگاه‌های گوناگونی در رابطه با رفع تعارض میان اخبار مختلف و متعارضی که در یک مسأله رسیده است، وجود دارد. در رفع تعارض، اولین نکته‌ای که توجه شیخ را به خود جلب می‌کند، اشکالات سندی همچون؛ ارسال سند، شذوذ، خبر واحد و راوی ضعیف است. روش شیخ در استبصار بدین گونه است که در هر باب پس از ارائه احادیث مربوطه و ذکر احادیث متعارض با آن، به نقد و بررسی آن‌ها

۲. در همین رابطه شیخ طوسی در مقدمه تهذیب چنین می‌نگارد: «یکی از دوستانم که مراعات حق ایشان بر من واجب است، با من درباره روایات اصحاب ما و نیز موارد اختلاف، تباین، منافات و تضادی که میان آن‌ها واقع شده است گفت‌وگو کرد تا آنجا که خبری نیست مگر آنکه روایتی بر خلاف آن وارد شده است و حدیثی نیست مگر آنکه در برابر آن روایتی که با آن منافات دارد نیز روایت شده است و در نتیجه مسأله اختلاف روایات به آنجا کشیده است که مخالفان، این را از بزرگ‌ترین عیب‌های مذهب ما به شمار آورده‌اند و با این حربه، می‌خواهند مذهب ما را باطل اعلام نمایند» (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۲).

۳. فَأَوَّلُ مَا فِي هَذَا الْخَبَرِ أَنَّهُ مُرْسَلٌ... (طوسی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱، ص ۷).

۴. فَهَذَا خَبَرٌ شَدِيدُ الشُّذُوزِ... (همان، ص ۱۴).

۵. فَهَذَا الْخَبَرُ لَا يُعَارِضُ مَا قَدَّمَاهُ مِنَ الْأَخْبَارِ لِأَنَّهُ خَبَرٌ وَاحِدٌ... (همان، ص ۹۲).

۶. فَأَوَّلُ مَا فِي هَذَا الْخَبَرِ أَنَّهُ مُرْسَلٌ وَرَأَوِيهِ ضَعِيفٌ... (همان، ص ۴۰).

پرداخته و گاه برای تأیید روش نقد خود، احادیث دیگری را به عنوان شاهد آورده است (غروی نائینی، ۱۳۷۹ش، صص ۲۵۰-۲۵۱).

شیخ طوسی، اخبار را به دو دسته متواتر و واحد تقسیم می‌کند و در رابطه با خبر متواتر بیان می‌کند که تعارض و تضاد در اخبار وارده از پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) واقع نمی‌شود در نتیجه، به این دسته از اخبار باید عمل شود. ایشان خبر واحد را بر دو گونه می‌داند. گونه اول که ملحق به خبر متواتر است؛ و آن هر خبری است که با قرائنی همراه باشد و سبب حصول علم گردد، در نتیجه، به این خبر نیز مانند خبر متواتر عمل می‌شود. اما، گونه دوم هر خبری است که متواتر یا ملحق به متواتر نباشد؛ در این صورت، طبق شرایط اگر خبر متعارضی نداشته باشد به آن عمل می‌شود. پیرامون اخبار واحدی که معارض و مخالف دارند، شیخ چنین می‌نگارد:

«در صورت وجود خبر متعارض، باید در دو خبر متعارض دقت شود و به خبری که در طریق آن راوی عادل‌تری وجود دارد عمل شود و اگر هر دو خبر، در عدالت راوی برابر باشند، باید به خبری عمل شود که روایان بیشتری آن را نقل کرده‌اند؛ و هرگاه دو روایت متعارض از تمامی قرائن و مرجحات (موافقت با قرآن، سنت، اجماع و همسویی با عقل) خالی باشد، باید در آن‌ها دقت شود؛ اگر به گونه‌ای بود که هرگاه به یکی از دو خبر عمل شود بتوان به خبر دیگر نیز با توجیه و تأویلی عمل نمود، در اینجا عمل به این خبر بهتر و اولی از عمل به خبر دیگری است که با عمل به آن، طرد خبر اول لازم می‌آید، زیرا کسی که به این خبر عمل می‌کند، در حقیقت به مضمون هر دو عمل نموده است؛ و اگر دو خبر متعارض به گونه‌ای است که با توجیه و تأویل هر کدام می‌توان به هر دو عمل نمود، لکن برای یکی از آن دو تأویل شاهد روایی و مؤیدی به طور صریح یا اشاره‌ای، لفظی یا لَبّی وجود دارد و تأویل روایت دگر هیچ گونه شاهد یا قرینه‌ای ندارد، در اینجا عمل به خبر تأویل‌دار همراه با شاهد و قرینه، بهتر از عمل به تأویلی است که بر آن هیچ گونه شاهی از روایات وجود ندارد؛ و هرگاه هیچ کدام از دو تأویل شاهد روایی نداشت و از این رو کاملاً با هم برابر بودند، فرد عمل‌کننده مخیر است به هر کدام از آن دو خبر که می‌خواهد عمل نماید، همچنان که هرگاه به دلیل تضاد میان دو و تأویل و توجیه بعید آن‌ها، عمل به هر دوی آن‌ها ممکن نباشد و تنها به یکی از آن‌ها با طرد دیگری ممکن شود، در این جا عامل مخیر است از باب تسلیم و انقیاد، به هر کدام از آن دو روایت که بخواهد عمل کند» (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۴).

اینک با توجه به آن چه که در مقدمه/ستبصار آمده است به نمونه‌هایی از روش حل تعارض میان اخبار متعارض اشاره خواهیم نمود.

#### ۴-۱- ترجیح خبر متواتر بر خبر واحد

چنانچه میان دو حدیث با هم تعارض و تنافی پیش آید و یکی از آن دو متواتر و دیگری غیر متواتر باشد؛ از آنجا که خبر متواتر یقینی و خبر غیر متواتر ظنی است، به اتفاق حدیث‌شناسان، حدیث متواتر بر غیر متواتر مقدم می‌شود. شیخ طوسی نیز از این قاعده بهره برده است و خبر متواتر را بر غیر متواتر مقدم داشته و عمل به آن را لازم شمرده است.

برای نمونه، در رابطه با تعداد روزهای ماه مبارک رمضان با دو دسته از اخبار مواجه هستیم؛ دسته‌ای از اخبار روزهای این ماه را سی روز می‌دانند و تصریح می‌کنند که این ماه کمتر از سی روز نیست. در مقابل، پاره‌ای از اخبار به این مطلب اشاره دارند که چه بسا روزهای این ماه کمتر از سی روز باشد (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۲، صص ۶۷-۶۸).

شیخ در مقام رفع تعارض بین این دو دسته از اخبار، دسته دوم را بر دسته اول ترجیح می‌دهد و در مورد دسته اول معتقد است از آنجا که خبر واحد هستند، احتجاج به آن‌ها صحیح نیست و باعث ایجاد علم نمی‌شوند؛ در نتیجه، نمی‌توان به آن‌ها عمل نمود. افزون بر این، ایشان در این ادامه توضیحات مفصلی درباره رفع تعارض این دو دسته از اخبار ذکر کرده‌اند (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۶۹).<sup>۷</sup>

#### ۴-۲- ترجیح به عدالت راوی

شیخ طوسی در بررسی دو حدیثی که با هم تعارض دارند، نخست، وضعیت راویان سند هر کدام را مورد بررسی قرار می‌دهد. چنانچه راوی یک خبر عادل؛ و راوی خبر دیگر ضعیف باشد، خبری که از راوی عادل رسیده است را بر خبر راوی ضعیف، مقدم می‌شمارد.

به عنوان نمونه، در روایتی با سلسله سند «مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ» آمده است که امام صادق (ع) عده زنی را که به ازدواج موقت مردی در آمده است و مرد فوت کرده است، چهار ماه و ده روز بیان می‌کنند (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۳۵۰).

در روایت دیگر با سلسله سند «الصَّقَّارُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هِلَالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَخِيهِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ يَقْطِينٍ» از امام کاظم (ع) نقل شده است زنی که به ازدواج موقت مردی در آمده است و مرد از دنیا رفته است، زن باید چهل و پنج روز عده نگه دارد (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۳۵۱).

همان گونه که مشخص است، مضمون این دو روایت با هم متعارض و متضاد است و شیخ در رفع تعارض آن‌ها، خبر اول را بر خبر دوم ترجیح می‌دهد زیرا، که خبر دوم خبری ضعیف است. ضعف سند دوم ناشی از وجود «احمد بن هلال» در سند است که شیخ او را با عبارت «ضَعِيفٌ جِدًّا» تضعیف می‌کند (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۳۵۱).<sup>۸</sup>

#### ۴-۳- ترجیح به کثرت راویان

همانگونه که در مقدمه الاستبصار نیز آمده است، چنانچه دو خبر متعارض باشند، با در نظر داشتن تعداد راویان هر یک می‌توان در پی رفع تعارض برآمد. به گونه‌ای که هرگاه تعداد راویان یکی از آن دو خبر، بیشتر از دیگری باشد، در این صورت، خبری که تعداد راویان بیشتری داشته باشد بر خبر دیگر مقدم است (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴)، زیرا امکان اشتباه در بین تعداد اکثر به مراتب کمتر از تعداد اقل است.

<sup>۷</sup> وَ هَذَا الْخَبَرُ أَيْضاً نَظِيرُ مَا تَقَدَّمَ فِي أَنَّهُ لَا يَصِحُّ الْإِحْتِجَاجُ بِهِ لِثَلَاثٍ مَا قَدَّمْنَاهُ مِنْ أَنَّهُ خَبَرٌ وَاحِدٌ لَا يُوجِبُ عِلْمًا وَ لَا عَمَلًا وَ أَنَّهُ لَا يُعْتَرَضُ بِمِثْلِهِ ظَاهِرُ الْقُرْآنِ وَ الْأَخْبَارِ الْمُتَوَاتِرَةِ وَ....

<sup>۸</sup> فَهَذَا الْخَبَرُ ضَعِيفٌ جِدًّا لِأَنَّ رَاوِيَهُ أَحْمَدُ بْنُ هِلَالٍ وَ هُوَ ضَعِيفٌ جِدًّا عَلَى مَا تَقَدَّمَ الْقَوْلُ فِيهِ...

به عنوان مثال، پیرامون فردی که در حال جنابت از دنیا می‌رود دو دسته روایت وجود دارد. دسته اول روایاتی هستند که در آن‌ها بیان شده است که فقط یک غسل بر میت واجب است در حالی که دسته دوم بیانگر دو غسل هستند؛ نخست غسل جنابت و دیگری غسل میت (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۱۹۴).

شیخ در توضیح رفع تعارض این دو دسته از اخبار بیان می‌کند، از آنجا که راوی اخبار دسته دوم از معصوم (ع)، فقط «عِیصُ بْنُ الْقَاسِمِ» است، بر این اساس، جایز نیست که معارض دسته اول قرار بگیرند، زیرا اخبار این دسته را تعداد زیادی از معصوم (ع) نقل کرده‌اند و چه بسا اخبار دال بر دو غسل، بر استحباب غسل جنابت میت دلالت داشته باشند نه وجوب آن (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۱۹۵).<sup>۹</sup> در نتیجه، برای فردی که در حال جنابت از دنیا رفته است، فقط یک غسل واجب است.

#### ۴-۴- موافقت با کتاب

هر گاه دو خبر با یکدیگر تعارض و اختلاف داشته باشند، خبر موافق با کتاب (قرآن کریم)، بر خبر مخالف با آن، مقدم است، زیرا در روایات متعدّد، بر لزوم عرضه اخبار بر قرآن تأکید شده است و قرآن معیار بازشناخت روایات صحیح از غیر آن معرفی گردیده است. شیخ طوسی نیز در مقدمه/ستبصار موافقت با کتاب را از مرجّحات به شمار آورده است و در رفع تعارض میان اخبار از آن بهره برده است.

به عنوان نمونه، درباره لباسی که بر آن شراب ریخته است، با دو دسته روایت مواجه هستیم. دسته نخست بیانگر این نکته هستند از آنجا که خمر پلیدی است، نمی‌توان با آن لباس نماز خواند. در مقابل، بر اساس دسته دیگر، می‌توان با آن لباس نماز به جا آورد، زیرا لباس مست نمی‌شود (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، صص ۱۸۹-۱۹۱).

شیخ در رفع تعارض این دو دسته از اخبار، دسته دوم را بر نوعی تقیه حمل می‌کند، زیرا با مذهب عامّه موافقت دارند و مخالف قرآن هستند. ایشان اخبار دسته نخست را به سبب موافقت با قرآن بر دسته دیگر ترجیح می‌دهد<sup>۱۱</sup> و در ادامه به روایتی از روایات عرضه استشهاد نموده<sup>۱۲</sup> و نتیجه گرفته است که خبر مخالف با قرآن باید طرح شود و مورد عمل قرار نگیرد (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۱۹۰).<sup>۱۳</sup>

<sup>۹</sup>. فَلَا تَنَافَى بَيْنَ هَذِهِ الْأَخْبَارِ وَبَيْنَ الْأَخْبَارِ الْأُولَى لَأَنَّ هَذِهِ الرُّوَايَاتِ أَوَّلُ مَا فِيهَا أَنَّ الْأَصْلَ فِيهَا كُلُّهَا عِصَى بْنُ الْقَاسِمِ وَهُوَ وَاحِدٌ وَلَا يَجُوزُ أَنْ يُعَارَضَ بِوَاحِدٍ جَمَاعَةً كَثِيرَةً لِمَا بَيَّنَّاهُ فِي غَيْرِ مَوْضِعٍ وَلَوْ صَحَّ لَأَحْتَمَلُ أَنْ تَكُونَ مَحْمُولَةً عَلَى ضَرْبٍ مِنَ الِاسْتِحْبَابِ دُونَ الْقَرْضِ وَالْإِجَابِ...

<sup>۱۰</sup>. این دسته از روایات، به عنوان «روایات عرضه» شناخته می‌شوند. برای نمونه ببینید: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۸؛ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، صص ۱۰۶-۱۲۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، صص ۲۱۹-۲۵۳؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۵۶.

<sup>۱۱</sup>. فَالْوَجْهُ فِي هَذِهِ الْأَخْبَارِ كُلِّهَا أَنْ نَحْمِلَهَا عَلَى ضَرْبٍ مِنَ التَّقِيَةِ لِأَنَّهَا مُوَافِقَةٌ لِمَذَاهِبِ كَثِيرَةٍ مِنَ الْعَامَّةِ وَإِنَّمَا قُلْنَا ذَلِكَ لِأَنَّ الْأَخْبَارَ الْأُولَى مُطَابِقَةٌ لظَاهِرِ الْقُرْآنِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجَسٌ فَحَكَمَ عَلَى الْخَمْرِ بِالرَّجَاسَةِ.

<sup>۱۲</sup>. وَقَدْ رَوَى عَنْهُمْ إِذَا جَاءَكُمْ عَنَّا حَدِيثَانِ فَأَعْرِضُوهُمَا عَلَى كِتَابِ اللَّهِ فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ وَمَا خَالَفَهُ فَاطْرَحُوهُ.

<sup>۱۳</sup>. وَ هَذِهِ الْأَخْبَارُ مُخَالَفَةٌ لظَاهِرِ الْقُرْآنِ فَيَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ الْعَمَلُ عَلَى غَيْرِهَا وَ الَّذِي يَدُلُّ عَلَى أَنَّ هَذِهِ الْأَخْبَارَ خَرَجَتْ مَخْرَجَ التَّقِيَةِ مَا.

## ۴-۵- موافقت با سنت

موافقت با سنت بدین معناست که هر گاه دو روایت در تعارض با یکدیگر قرار گیرند و یکی از آن دو موافق سنت قطعی و دیگری مخالف آن باشد، خبر موافق با سنت قطعی بر دیگری مقدم است و ترجیح داده می‌شود (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۹ش، ج ۱، ص ۸۱۴).

به عنوان نمونه، شیخ طوسی درباره خبری که در آمد حجام (فردی که کارش حجامت است) را حرام بیان می‌کند، معتقد است این خبر شاذ است و در تعارض با اخباری که از کثرت برخوردار هستند، قرار نمی‌گیرد (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص ۵۹).

در مقابل، اخباری که از کثرت برخوردار هستند، به سنت پیامبر (ص) اشاره دارند. در این دسته از اخبار آمده است؛ پیامبر (ص) علاوه بر انجام حجامت، مزد حجام را هم پرداخت می‌کرده‌اند، در حالی که اگر چنین کسبی حرام بود، ایشان هرگز آن مزد را نمی‌پرداختند (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، صص ۵۸-۵۹).

## ۴-۶- موافقت با اجماع

اجماع، اصطلاحی اصولی و فقهی و به معنای اتفاق خاص بر امر دینی است، گرچه، در تبیین این اتفاق میان دانشمندان نظرات مختلفی مطرح است (دانشنامه قرآنی فقه و اصول، مدخل اجماع).

طبق مقدمه/استبصار، اجماع یکی از مرجحات ذکر شده است، که ممکن است این اجماع، اجماع مسلمانان و یا اجماع شیعه امامیه باشد (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۴). بر این اساس، چنانچه دو خبر با یکدیگر تعارض پیدا کنند و یکی از آن دو خبر موافق با اجماع و دیگری مخالف با اجماع باشد، به خبر موافق با اجماع عمل می‌شود و خبری که مخالف با اجماع است کنار گذاشته می‌شود.

برای نمونه، درباره تقدیم یا تأخیر خطبه در نماز استسقاء، با دو دسته روایت مواجه هستیم. دسته نخست، ایراد خطبه را پس از نماز بیان می‌کنند و دسته دوم، ایراد خطبه را مقدم بر نماز می‌دانند (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، صص ۴۵۱-۴۵۲).

شیخ طوسی، دسته‌ای از اخبار، که ایراد خطبه را مقدم بر نماز بیان می‌کنند، مخالف اجماع می‌داند و به روایتی استشهاد می‌کند که نماز استسقاء همچون نماز عید فطر و عید قربان است (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۴۵۲).

## ۴-۷- موافقت با عقل

عقل موهبتی است که خداوند متعال در سرشت انسان به ودیعه نهاده است و انسان به واسطه آن، قدرت و توان تمییز حق و باطل و درک معارف را پیدا می‌کند. از این رو، اخباری که از معصومان (ع) به ما رسیده است نباید مغایر با عقل باشد، زیرا امکان ندارد گفتار و کردار ایشان با عقل سلیم ناسازگار باشد.

همانطور که در بخش «ترجیح خبر متواتر بر خبر واحد» گذشت، در برخی اخبار تعداد روزهای ماه رمضان همچون سایر ماه‌ها دانسته شده است، اما در مقابل، برخی از اخبار بیانگر این مطلب هستند که ماه رمضان هرگز

۱۴. فَهَذَا خَبْرٌ شَاذٌ لَا يُعَارَضُ بِهِ الْأَخْبَارُ الَّتِي قَدَّمَاهُ الْكَثَرَتِهَا وَلِشُدُودِ هَذَا الْخَبَرِ...

۱۵. فَهَذِهِ الرَّوَايَةُ شَاذَةٌ مُخَالِفَةٌ لِإِجْمَاعِ الطَّائِفَةِ الْمُحَقِّقَةِ لِأَنَّ عَمَلَهَا عَلَى الرَّوَايَةِ الْأُولَى لِمُطَابَقَتِهَا لِلْأَخْبَارِ الَّتِي رُوِيَ فِي أَنَّ صَلَاةَ الْاسْتِسْقَاءِ مِثْلُ صَلَاةِ الْعِيدَيْنِ.



ناقص (۲۹ روز) نمی‌شود (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، صص ۶۷-۶۸). شیخ طوسی، پیرامون این دو دسته از اخبار توضیحات مفصلی بیان می‌کند و می‌گوید تعلیل به امری خلاف عقل، چگونه ممکن است؟<sup>۱۶</sup> لار نتیجه، روایت مخالف عقل را طرح می‌کند.

بر این اساس و طبق آنچه که در مقدمه/ستبصار آمد، شیخ طوسی، موافقت با عقل را یکی از نشانه‌های صحت متن و مضمون حدیث به شمار می‌آورد و در مقام تعارض، چنین خبری را بر خبر خلاف عقل مقدم می‌دارد و با نپذیرفتن خبر خلاف عقل، تعارض را حل می‌کند.

## ۵- نتیجه‌گیری

از مجموع مباحث بیان شده در این نوشتار، به نظر می‌رسد؛ مسأله تعارض روایات در قرن چهارم و پنجم به عنوان یک مسأله کلامی جدی بین شیعه و اهل سنت مطرح بوده است. تعارض اخبار، از عوامل متعددی از جمله؛ نسخ، از میان رفتن قرائن، نقل به معنا در روایت، تدریج در بیان احکام شرعی، تقیه، رعایت ظرفیت راوی و... ناشی می‌شود. با نگاهی به مقدمه کتاب استبصار دریافتیم که شیخ طوسی در حل تعارض میان اخبار از شیوه‌هایی چون؛ ترجیح خبر متواتر بر خبر متواتر، ترجیح به عدالت راوی، ترجیح به کثرت روایان، موافقت با کتاب، موافقت با سنت، موافقت با اجماع و موافقت با عقل بهره برده است.

## منابع و مأخذ

### قرآن کریم

۱. آشتیانی، محمدحسن (۱۴۰۳ق)، *بحر الفوائد فی شرح الفرائد*، قم: مکتبه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۲. آقابزرگ تهرانی، محمدحسن (۱۴۰۳ق)، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، چاپ سوم، بیروت: دارالاضواء.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳ق)، *معانی الأخبار*، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳ق)، *من لا یحضره الفقیه*، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵. ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۴۸ق)، *الفهرست*، مصر: مطبعه رحمانیه.
۶. انصاری، مرتضی (بی تا)، *فرائد الأصول*، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۷. خوانساری اصفهانی، محمدباقر (۱۴۰۱ق)، *روضات الجنات فی الأحوال العلماء و السادات*، ترجمه محمدباقر ساعدی خراسانی، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۸. دزفولی کاظمی، اسدالله بن اسماعیل (بی تا)، *مقابس الأنوار*، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.
۹. سیحانی، جعفر (۱۳۷۶ش)، *الموجز فی اصول الفقه*، قم: مدیریت حوزه علمیه.
۱۰. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، *الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)*، تحقیق محمدباقر خراسان، مشهد: نشر مرتضی.

<sup>۱۶</sup> فَكَيْفَ يَصِحُّ التَّعْلِيلُ بِأَمْرِ لَا يُوجِبُهُ عَقْلٌ وَلَا عَادَةٌ وَلَا لِسَانٌ... (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۶۹).

۱۱. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰ق)، *الاستبصار فیما اختلف من الأخبار*، تحقیق حسن الموسوی خراسان، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۱۲. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۵ق)، *الرجال الطوسی*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۳. \_\_\_\_\_ (۱۴۲۰ق)، *فهرست کتب الشیعه و اصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول*، تحقیق عبدالعزیز طباطبائی، قم: مکتبه المحقق الطباطبائی.
۱۴. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۷ق)، *تهذیب الأحکام*، تحقیق حسن الموسوی خراسان، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۱۵. عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه*، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
۱۶. غروی نائینی، نهله (۱۳۷۹ش)، *فقه الحدیث و روش های نقد متن*، تهران: دفتر نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس.
۱۷. غضنفری، علی (۱۳۹۶ش)، *علوم حدیث*، تهران: لاهیجی.
۱۸. قمی، عباس (بی تا)، *سفینه البحار و مدینه الآثار*، بیروت: دارالمرتضی.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری؛ محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۲۰. مجددی، محمد عمیم (۱۴۰۷ق)، *قواعد الفقه*، کراچی: الصدف بیلشرز.
۲۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع)*، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۲. مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی (۱۳۸۹ش)، *فرهنگ نامه اصول فقه*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۳. معارف، مجید (۱۳۹۷ش)، *تاریخ عمومی حدیث*، چاپ هفدهم، تهران: کویر.
۲۴. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷ق)، *رجال النجاشی*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۵. نجف زاده بار فروش، محمد باقر (۱۳۷۴ش)، *دانش حدیث*، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۲۶. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۱۷ق)، *بحوث فی علم الأصول*، قم: مرکز الغدیر للدراسات الإسلامية.
۲۷. دانشنامه قرآنی فقه و اصول، [quran.isca.ac.ir](http://quran.isca.ac.ir).